روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲ مهر ۱۳۹۷ • ۱۴ محرم ۱۴۴۰ • ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۵۰ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۷ • اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

آدم‌ها و آدم‌نماها

پوریا عالمی

• آدم‌های جهان دوتا دسته اصلی دارند: آدم‌ها و آدم‌نماها. آدم‌نماها جاندارانی هستند که آدم‌ها جای آنـان را در جهان تنگ کرده‌انـد و اینها هم جهان به این فراخی تنگشان می‌آید و آدم‌ها را از بین می‌بردند تا جایشان باز شود.

آدم‌نماها خودشان چند دسته هستند:

آدم‌خوارها

اینهـا آدم می‌خورند. خیلی‌هـا فکر می‌کنند نسلشان منقرض شده، اما این‌طوری نیست. اینها الان ممکن اسـت آدم نخورند، ولی مال‌ومنال و زمین و تاریخ و آینده و آب و طبیعت و خاک و پول و هویت ملی آدم‌ها را می‌خورند.

آدم‌مال‌ها

اینها باز دوزار شـرف دارند. فقـط می‌مالند و می‌روند.

آدم‌فروش‌ها

اینها اما خودشـان سه دسته هسـتند یکی از یکی آدم‌نماتر. دسته اول آدم‌ها را می‌فروشند که کلیه و چشم‌وچال و روده و فلانشان را دربیاورند. بشکند دستشان.

دسـته دوم آدم‌هـا را می‌فروشـند بـه مصرف‌کننـدگان آدم. دیـده شـده اجـاره هـم می‌دهند.

دسـته سـوم آدم‌ها را می‌فروشند تا خودشان رشد کنند. اینها دستشان به خون آلوده نیست، اما خونشان کثیف است.

آدم‌کش‌ها

اینهـا آدم می‌کشـند. کار دیگری هـم ندارند. صبح تا شـب می‌نشینند نقشه می‌کشند چطوری بکشند. خود اینها سه دسته هستند:

آدم‌جنگ‌دوست‌ها

آدم‌کش‌هـا اگر خیلی پیشـرفت کننـد، افراد داغونی می‌شـوند کـه بتوانند نقشـه جنگ‌ها را بکشند و با حساب‌کتاب آدم بکشند.

آدم‌ترورکورکن‌ها

اینها بـه صورت کور آدم می‌کشـند. اصولا از یک چیزی ناراحت هسـتند، اما این‌قدر بدبخت و ضعیف هستند که دستشان به مشکل اصلی‌شان نمی‌رسـد، برای همیـن می‌آیند وسـط میدان و متـرو و خیابـان یک‌سـری آدم را می‌کشـند که ربطی به هیچ‌جـا ندارند. ایـن آدم‌ترورکورکن‌ها را قبـلا که امکانات کم بود می‌بسـتند به گاری و رها می‌کردند در بیابان. امروزه اما متأسـفانه اینها سـایت می‌زنند و ایمیل دارند و سـخنگو دارند و می‌آیند در تلویزیون انگیزه‌های کشـتن مردم را با ژست آزادی‌خواهانه بیان می‌کنند. لعنت به شما.

آدم‌کش‌های پولی

کـه اینهـا پـول می‌گیرنـد آدم می‌کشـند و قصه‌شـان را توی کتاب‌ها می‌نویسند و فیلمشان را هم می‌سازند.

آدم‌کش‌های سریالی

اینها هـم آدم‌های بدبختی هسـتند که چون زورشان به دنیا نمی‌رسد حرصشان را سر یک‌سری آدم بی‌خبر از همه‌جا خالی می‌کنند.

نکته

به برادر ما رأی ندهید!

• انتخابـات ماه نوامبـر کنگره ایـالات متحده و تلاش دموکرات‌ها برای مهار قدرت دونالد ترامپ، بـه سـوژه‌ای هیجان‌انگیز برای سیاسـت داخلی آمریکا و سراسر دنیا بدل شده است، اما درعین‌حال به‌موازات شـخصیت عجیب‌وغریـب ترامپ، این انتخابـات هم جنبه‌هایی غیرعادی و مضحک پیدا کرده است که این روزها در اخبار منعکس می‌شود. تازه‌ترین نمونه‌اش کمپین شش خواهر و برادر یک نامزد انتخاباتی برای تخریب اوست. شش خواهر و برادر پل گوسار، کاندیدای جمهوری‌خواه نمایندگی کنگره از ایالـت آریزونا، مجموعه‌ای از سـه فیلم ویدئویی را از روز جمعه در شـبکه یوتیوب منتشر کرده‌انـد و در آن به بدترین جنبه‌های شـخصیت برادرشـان پرداخته و از آریزونایی‌ها خواسـته‌اند کـه به او رأی ندهند. البته سـه نفر دیگر از برادر و خواهرهـای این خانواده بزرگ کـه لااقل ۱۰ فرزند داشـته اسـت، هنوز در این کمپین وارد نشده‌اند. شش خواهر و برادر که همه عضو حزب دموکرات هستند، از مردم این ایالت خواسته‌اند در انتخابات میان‌دوره‌ای به‌جای برادرشان به دکتر دیوید بریل، نامـزد حزب دموکـرات، رأی بدهند. یکـی از آنها درباره برادرش، پل گوسار، می‌گوید: «من در برادرم چیزی جز یک نژادپرسـت نمی‌بینم». پل گوسـار از حامیـان دونالد ترامـپ و دارای عقاید افراطی دست‌راسـتی، از جملـه ضدیـت بـا مهاجران و طرفداری از احداث دیوار در مرز مکزیک است. تیم، جنیفر، گاسـتون، جوآن، گریس و دیوید گوسـار در این مجموعه فیلم‌ها گفته‌اند که مسائل شخصی و احساسی متعددی علیه برادرشان برای گفتن دارند که در صورت لزوم آنهـا را هم برملا خواهند کرد. آنها گفته‌اند: «الان زمان مداخله است»، چون این برادر نام نیک خانواده آنها را لکه‌دار کرده اسـت و «ما مثل او نیستیم».

کارتون خواب

کریستین مارکو

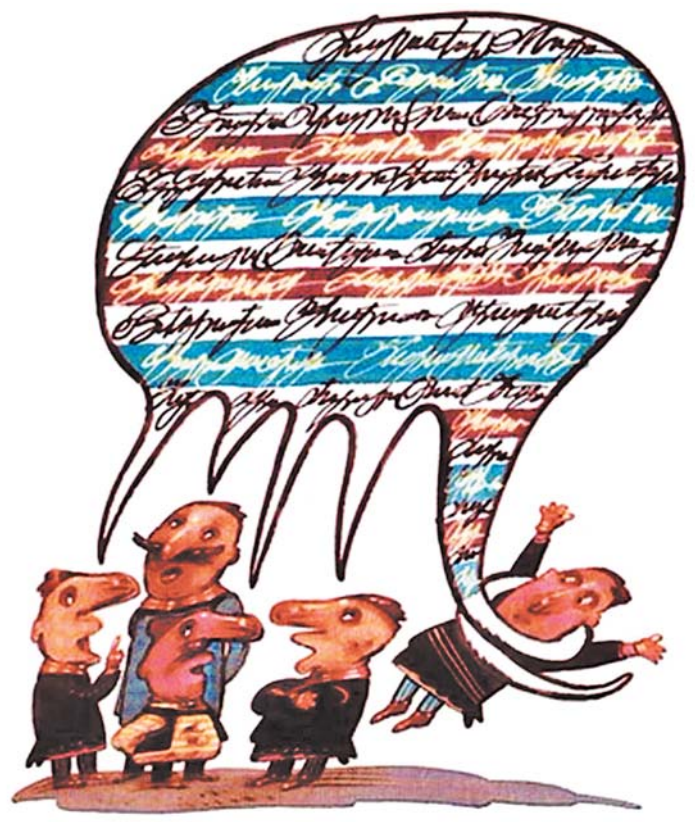

دور دنیا

آغاز سال تحصیلی کودکان یمنی در جنگ

خبرگزاری فرانسـه روز گذشـته در گزارشی از صنعا بـا عنوان «سـال تحصیلی جدیـد کودکان شـجاع یمنی در کشـاکش جنگ» به بازگشـایی مدارس این کشـور جنـگ‌زده و همچنان درگیر در جنگ پرداخته است.

دیوارهـا فرومی‌ریزنـد، شیشـه پنجره‌ها خرد می‌شـود و پسرها سـه‌نفر سه‌نفر پشـت یک میز می‌نشـینند، اما این دانش‌آموزان که توانسـته‌اند در کلاس ثبت‌نام کنند، از خوشـبخت‌ترین کودکان یمـن جنگ‌زده هسـتند. در صنعـا، پایتخت تحت کنتـرل حوثی‌هـا، دانش‌آمـوزان در لباس‌هـای متحدالشـکل سبز زیتونی برای مراسـم صبحگاهی در مدرسه پسران الوحده صف بسـته‌اند. تقریبا ۷۰ دانش‌آمـوز هسـتند که بـا هـم شـعار می‌دهند «به‌پیـش!» و زنجیـری انسانی درسـت می‌کنند، اما علا یاسـر ۱۵سـاله در میان آنها نیسـت. او در همان نزدیکـی در فروشـگاه کار می‌کند تا زندگی خانواده‌اش را تأمین کند.

یاسـر کـه بـا خانـواده‌اش از شـهر تائـز در جنوب‌غربـی یمن فرار کرده اسـت، می‌گوید: «من مجبـورم به مدرسـه نروم و بـا پـدرم کار کنم تا زندگی‌مان بچرخد».

بر اسـاس گزارش آژانس کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، سه سـال پس از آغاز جنگی که یمن را به آستانه قحطی رسانده است و نشانه‌ای از تخفیفش دیده نمی‌شـود، دو میلیون کودک در آن کشور به امکان تحصیل دسترسی ندارند.

هشـام السـاکای ۱۲ سـاله نیـز پـس از مرگ پـدرش در سـال ۲۰۱۵، بـرای تأمیـن مـادر و خواهـرش ترک‌تحصیـل کـرده اسـت. می‌گوید: «کاش می‌توانسـتم به مدرسـه بروم، ولی مادرم نمی‌توانسـت هزینه‌های مدرسه را بپردازد... حتی نمی‌توانسـت برای مـن و برادرهـا و خواهرهایم لباس مدرسه بخرد».

جنگ یمن سبب فروپاشی اقتصاد آن کشور شد که پیش از آن هم بسـیار ضعیـف بود و محاصره بنادر و فرودگاه‌های کشـور هم بر وخامت اوضاع افزود و با سربه‌فلک‌کشیدن قیمت مایحتاج زندگی، مردم بـرای زنده‌مانـدن تقلا کردنـد. طبق اعلام سـازمان ملل، بیش از ۲۲ میلیون نفر - سه‌چهارم جمعیت یمـن - نیازمند کمک‌های بشردوسـتانه هسـتند. کودکان یمنی به‌طور خـاص در معرض خطرهای متعدد هسـتند. در آن کشـور بسیاری از دختران در سـنین کودکـی ازدواج می‌کنند. طبق آمار یونیسـف، بیش از ۴۰ درصـد دختران در یمن قبل از ۱۵سالگی ازدواج می‌کنند و سه‌چهارم آنها تا ۱۸سالگی. پسران نیز به‌عنوان سربازان کودک به طور مسـتقیم وارد جنگ می‌شوند و در جنگی که نزدیک به ۱۰ هزار کشته برجا گذاشته است، شرکت می‌کنند.

مختار یحیی ۱۵ساله یکی از آن معدود کودکان خوشبخت است که در الوحده ثبت‌نام کرده. او به خبرنگار خبرگزاری فرانسـه گفت: «ما می‌خواهیم تحصیل کنیم تا پزشـک، مهندس و خلبان شویم.

مـا امیدواریم که همه‌چیز بهتر شـود تا آینده روشنی داشته باشـیم». یونیسف برآورد کرده است که ۴.۵ میلیـون کـودک یمنی در خطر ازدسـت‌دادن امکان تحصیل هسـتند و حدود دو سال اسـت که حقوق معلمـان به آنها پرداخت نشـده اسـت. بیش از دوهزار و ۵۰۰ مدرسـه آسیب دیده یا ویران شده‌اند و تعدادی از مدارس درحال‌حاضر به‌عنوان پناهگاه آوارگان یـا اردوگاه‌هـای گروه‌های مسـلح مورد استفاده قرار می‌گیرند.

کریستوف بوئیراک، سخنگوی یونیسف، می‌گوید بسـیاری از معلمان «به دنبال کار دیگری هستند تا زنده بماننـد. بعضی درس‌های مختلف را تدریس می‌کننـد. بدیهی اسـت کـه کیفیت آمـوزش در معرض خطر است. به دلیل کمبود معلم، کودکان درس‌ها را کامل فرانمی‌گیرند».

دانش‌آمـوزان از جنگ‌هـای درگرفتـه در یمن در امـان نمانده‌اند. ماه گذشـته در حملات هوایی بیـش از ۶۰ کـودک کشـته شـدند، از جملـه ۴۰ کودک در یک اتوبوس مدرسـه در استان سعدا در شـمال‌غربی کشـور. بمباران‌ها جان دانش‌آموزان را در شـهر صنعا نیز گرفته است. طاها عقبه، یک دانش‌آموز ۱۴ سـاله در الوحده، می‌گوید: «پیام او به جهان» این است که «به جنگ و حملات هوایی در راه ما به مدرسه پایان دهند». در ۳۰۰ کیلومتری جنوب‌غربـی صنعـا، در شـهر عدن نیـز کودکان مشـغول برنامه‌ریزی برای بازسـازی کشورشـان هستند. حمزه صابر ۱۲ سـاله، دانش‌آموز مدرسه سـامه عـدن، می‌گوید: «من می‌خواهـم معمار و طراح سـاختمان‌های بلند باشـم». هشـام معاد، هم‌کلاسـی او، نیز بلندپروازی‌های مشـابهی دارد: «من می‌خواهم وکیل باشم و از مردم و حقوقشان دفاع کنم».

آکادمی

خشونت در درمانگاه

بابک زمانی

رئیس انجمن سکته مغزی

چند وقتی است که خبرها و تصویری از خشونت در یک درمانگاه به گوش می‌رسد و طبیعتا در فضای مجازی این خبر دست‌به‌دسـت می‌شود. در این میان مهم‌تریـن نکته‌ای کـه مغفول می‌مانـد، نادربودن حوادث این‌چنینی اسـت. در جامعـه هیجان‌زده‌ای که دلایـل زیادی بـرای اضطراب فـردی و جمعی وجـود دارد و در فضایـی که هر روز شـاهد تنش‌ها و خشـونت‌هایی در بین مردم هسـتیم، برخوردهای فیزیکـی و خشـونت‌آمیز میـان گروه‌هـای مردم و پزشـکان پایین‌تر از سـطح خشـونت جامعه است، درحالی‌که در فضای عمومی و رسـانه‌ای پرخاش در برابر پزشکان بسیار شایع است. حتی در فرهیخته‌ترین سطوح هم، نظامِ سلامت در اذهانشان به «پزشکان» تقلیـل یافته و بهَ زعم ایشـان، اراده و امیال مثبت یا منفی پزشـکان اسـت که تعیین‌کننـده مختصات و معایب متنوع نظامِ سـلامت به‌نظر می‌رسد. نه‌تنها دولت با سنت‌های مدیریتی به‌ارث‌رسیده‌اش پزشکان جوان را به شـیوه‌ای خلاف حقوق اولیه انسانی، در شهرها و روسـتاها به کار می‌گیرد، بلکه روشنفکران و رسـانه‌های عمومی حتی در چنیـن مقاطعی هم تمایلی بـه دفاع از این پزشـکان نشـان نمی‌دهند؛ گویـی پزشـکان در نظر ایشـان به انـدازه گروه‌های دیگـری که در چنین مواقعی از آنهـا دفاع می‌کنند، قابل جانب‌داری نیستند. انگار دفاع از پزشکان، کاری روزآمد و موردپسند نیسـت و البته لایک‌خورش هم پایین اسـت. اتفاقا دخالت و دفـاع جامعه مدنی از حقوق اولیه انسانی پزشکان است که می‌تواند چنین جدلی را از منازعه میان اقشار مختلف مردم خارج و سطحی بالاتر از گفتمان اجتماعی پدید آورد.

پزشـکان در جامعـه امـروز ما در حالی مشـغول طبابت هسـتند که اذهان عمومی دائما تحت بمبارانِ پیام‌هایی غیردوسـتانه به آنها از جوانب مختلف است؛ بسـیاری از پزشکان مجبور به پذیرش مسئولیتی هستند که هم شرایط و هم تعرفه‌های آن درمقایسه‌با همکاران خارجی‌شان در سطوحی بسیار پایین‌تر و حتی تحقیرآمیز است. این در حالی است که نگاه‌ها و سؤالات بسیاری از بیماران، جست‌وجوی بی‌سرانجام‌شان در گوگل (حتی بعد از توضیحات کامل طبیب)، مشـورت‌گرفتن از افراد غیرمتخصـص (از شـاگرد داروخانه گرفته تا بسـتگان دور و نزدیک) مراجعات متعدد به پزشـکان مختلف و ارزان فقط در یک روز و گاه حتی برخوردهایی بسیار تند و برخورنـده، همه و همه حاکـی از اعتمادی نه‌چندان عمیق به پزشـکان اسـت. بخشـی از ایـن برخوردها الگوبرداری از هجمه‌های از ما بهتران فرهنگی یا حداقل بی‌تفاوتی آنها به تحقیر پزشکان بوده است.

همه اینها را پزشـکان هرروزه شـاهدند؛ اما برخورد فیزیکـی و خشـونت آن‌قدر کـه در سـایر عرصه‌ها از مجلس گرفته تا سـر کوچه و خیابان مشاهده می‌شود، در مورد پزشـکان شـیوع چندانی ندارد. این تفاوت دو علت بیشـتر ندارد: یکی احتـرام عمیق و تاریخی مردم ما به پزشـکان اسـت که اجازه حرمت‌شکنی تا آن حد را نمی‌دهـد و دیگـری درک عمیق جامعه پزشـکی از شـرایط دشـوار مردم و بردباری ایشـان در برابر همه ناملایمـات گفته و ناگفته اسـت. این دو عامل اسـت که باعث می‌شـود گزارش‌هایی نظیـر حادثه «دِیر» هر روز به گوش نرسـد. اما چرا همیـن واقعه محدود هم بازتابی بسیار وسـیع در شـبکه‌های مجازی پیدا کرد؟ شـاید به این دلیل که پزشـکان از یک‌سو، باوجود همه مشـکلات پیش‌گفته، همدلی چندانی از جانب جامعه مدنی احساس نمی‌کنند و از سوی دیگر، نگران افزایش این‌گونه برخوردها هستند، وگرنه کسی به فکر مقابله یا خدای‌نکرده انتقام‌جویی از عضوِ شورای شهر که تنها به همین بهانه نامش را برای اولین‌بار شنیده، نیست.

خدا را چه دیدی! شاید یک روز جامعه مدنی متوجه مسئولیت‌های خود بشود و به‌جای انجمن‌ها و گروه‌های پزشـکی، در چنین مواردی، بخش‌هایی از روشنفکران و فرهیختـگان واکنش نشـان دهند؛ نه‌تنهـا به ماجرای «دِیر»! بلکه به مشـکلات عدیده و سـاختاری‌ای که نه مشکل شخصی پزشـکان بلکه مشکلات نظام سلامت به شـمار می‌روند. شـاید جامعـه و نخبگانش بتوانند ریشه‌های مشکلات سـلامت را هم ببینند و دریابند که پزشـکان بعد از بیماران دومین قربانیان اصلی نواقصِ نظامِ سلامت هستند!

نگاه سبز

هنوز در دنیا نشانه‌های خردمندی، قابل رهگیری است!

محمد درویش

با وجود ظهور جریان‌های فاشیستی راست‌گرا در آمریـکا و اروپا و محافظه‌کارانی که آشـکارا با طرفداران احزاب سـبز زاویـه دارند، همچنان خبرهای خوشی از بازار انرژی به گوش می‌رسد! بنا بر گزارش وضعیت صنعت هسـته‌ای جهانی -World Nuclear Industry Report- در سـال گذشته تنها چهار رآکتور با توانایی ۳.۳ گیگاوات آغـاز به کار کردنـد و البته هم‌زمان سـه رآکتور هم از کار انداخته شـدند. در مقایسه با ظرفیت حاصل از انرژی خورشـیدی و نیروی باد در سال ۲۰۱۷ (۱۵۲ گیـگاوات) و نیروگاه‌های سـوخت فسیلی (درمجموع صد گیگاوات) اهمیت انرژی هسـته‌ای در این میان بسـیار کم شده است. به زبانـی سـاده‌تر، در سـال ۲۰۱۷، ۵۰ برابر انرژی هسـته‌ای، از طریق اسـتحصال خورشـید و باد، انرژی تولید شده و نیز تقریبا دوبرابر سوخت‌های فسیلی.

چه خبـری از ایـن خوش‌تـر کـه می‌تواند چشـم‌اندازی روشـن برای آینده کره زمین را به تصویر بکشد؟

امیدوارم دولتمـردان ایرانی هم هرچه زودتر به این نهضت جهانی پیوسـته و اسـتعدادهای بی‌رقیـب و مزیت‌های ناهمتای کشـور در حوزه اسـتحصال انرژی خورشـیدی را بالفعل کرده و به‌این‌ترتیب با کاهش مصرف آب و سوخت‌های فسـیلی، ضریب پایداری و امنیـت غذایی را در وطن ارتقا دهند؛ راهکاری بایسـته و خردمندانه برای مواجهه با تحریم‌های ظالمانه آمریکا.

پیشنهاد

نگاه نو به ۲۰۰ سالگی مارکس

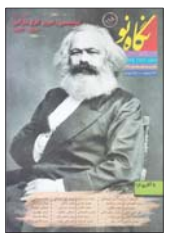

• صد و هجد همیـن شـماره فصلنامـه «نگاه نو» منتشـر شد. تازه‌تریـن شـماره این فصلنامـه اجتماعی، فرهنگـی، هنـری و ادبی نـگاه ویـژه‌ای دارد بـه دویسـتمین زادروز کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) مشـتمل بر مقالاتی که از جمله اریک هابسبام، نادر انتخابی، علی امینی‌نجفی، محمد مالجو و یاشار دارالشفا دربـاره این اقتصاددان، فیلسـوف و ایدئولوگ سوسیالیسـم نوشـته‌اند و همچنین گفت‌وگویی دربـاره او. در بخش‌هـای دیگـر ایـن شـماره مجله به مقالاتـی از بایزید مردوخی، سـیاوش رنجبردائمی، شـادروان رضا قنادان، محمدعلی موحد، بهاءالدین خرمشـاهی و مصطفی ملکیان در حوزه‌هایی مانند توسعه، تاریخ معاصر ایران، شعر، حافظ‌شناسی و روشنفکری برمی‌خوریم و داستانی کوتاه از جمال میرصادقی و گزارش‌هایی ازجمله دربـاره عزت‌الله انتظامـی، جایزه بوکر، نایپل و احسـان یارشاطر. شـماره تابستان ۱۳۹۷ نـگاه نو در ۲۶۰ صفحه به قیمت ۲۵ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

سلام به فردا

مهر را با مهر به کودکان آغاز کنیم

فاطمه قاسم‌زاده

روان‌شناس کودک

آغاز فصـل درس و مدرسـه بـرای دانش‌آموزان و معلمـان با دو پدیـده مهم همراه اسـت: تجربه و خاطـره؛ تجربه‌هـا و خاطره‌هایی که حاصل سـال‌ها حضور مشـترک این دو رکن اساسـی آموزش‌وپرورش در مدرسه اسـت. این تجربیات و خاطرات، با توجه به ویژگی‌های یادگیری در دوران کودکی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان دارد. پژوهش‌های روان‌شـناختی نشان داده اسـت که یادگیری در دوران کودکی سه ویژگی اساسی دارد:

- سـرعت یادگیری: کودکان در این سنین، سریع‌تر یاد می‌گیرند.

- سـهولت یادگیری: یادگیـری در دوران کودکی، آسان‌تر صورت می‌گیرد.

- پایداری یادگیری: یادگیری کودکان در این سـنین، از عمق و ماندگاری بیشـتری برخوردار است و نهادینه می‌شود.

با توجه به این سـه ویژگی که نشان‌دهنده اهمیت یادگیری در دوران کودکی اسـت، تجربیات و خاطرات این سال‌های حساس، به‌ویژه در محیط مدرسه، نه‌تنها در دوران کودکی، بلکه در بزرگسـالی نیز، در نگرش و رفتار ما بسیار اثرگذار است. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی نشان داده است که اگر این تجربه‌ها و خاطرات مثبت باشد، در رشد و سلامت دانش‌آموزان و چـه در آینده، تأثیرات مثبت بـر جای می‌گذارد و اگر منفی باشد به سلامت روانی آنان آسیب می‌رساند.

یکـی از رفتارهایـی که در شـکل‌گیری تجربه‌ها و خاطره‌های مثبـت در دانش‌آموزان بسـیار اثربخش اسـت، مهربانی است. مهربانی رفتاری است که ریشه در مسـئولیت‌پذیری، علاقه‌مندی و همدلی نسبت به دیگران، به‌ویژه کودکان دارد. شـعر یکی از شـاعران پندآموز ما، مصداق این رفتار است:

درس معلم ار بود زمزمه محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را

مهربانی رفتاری اسـت که هیچ کودکی در برابر آن واکنش منفی نشان نمی‌دهد.

بی‌دلیل نیسـت که نیاکان دانای ما نام مهر را برای آغاز درس و مدرسـه برگزیده‌انـد. پیوند مهر و دانش، پیوندی دیرین و اسـتوار اسـت و امید اسـت معلمان آگاه ایـن پیوند پرثمـر را پاس دارند. برقـراری ارتباط مؤثر و مناسـب بیـن دانش‌آمـوزان و معلمان بدون حلقه رابط مهربانی، امکان‌پذیر نیسـت. پژوهش‌های انجام‌شـده در حوزه یادگیری کودکان نشـان می‌دهد که یکی از روش‌های مهم یادگیری، یادگیری اجتماعی است. کودکان بسـیاری از آموخته‌های خود را از رفتار افـراد مؤثر در زندگی خود، به‌ویـژه والدین و معلمان می‌آموزنـد، نه از گفتـار آنان؛ مهـرورزی، یکی از این رفتارهاسـت. تجربه‌ها و خاطرات مدرسـه که بخش مهمی از حافظه تاریخی ماسـت، محدود به معلمان نمی‌شـود و شـامل ارتباط دانش‌آموزان بـا یکدیگر نیز می‌شـود. معلمـان در برقراری ارتبـاط مؤثر بین دانش‌آمـوزان، در تقویـت مشـارکت و فعالیت‌های گروهی، حـذف رقابت و خشـونت، کاهش رفتارهای پرخطر و... که به سـلامت جسمی- روانی آنان آسیب می‌رساند، نقش مؤثری دارند. برقراری الگوی ارتباطی مناسب بین معلمان و دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر، از وظایف اساسی معلمان به شمار می‌رود. اگر معلمان رابطه همدلانه‌ای با دانش‌آموزان برقرار کنند، می‌توانند با اسـتفاده از روش‌های گروهی و مشارکتی، همدلی و مهربانی را نیز بین آنان تقویت کنند. برقراری ارتباط مؤثـر و مهرآمیز بین معلمـان و دانش‌آموزان و دانش‌آمـوزان با یکدیگر، رقابـت را کاهش می‌دهد و مشـارکت را تقویـت می‌کند. چنیـن فضایی امکان یادگیری فعـال و خلاق را بـرای دانش‌آموزان فراهم می‌کنـد. درحال‌حاضـر نظام آموزشـی مـا به دلایل گوناگون از کیفیـت لازم برخوردار نیسـت. مهم‌ترین مشکلات را می‌توان به شرح زیر ارائه داد:

- معلم‌محـور اسـت و به دانش‌آمـوزان فرصت یادگیری فعال، جست‌وجوگری، کنجکاوی و ابراز وجود نمی‌دهد.

- حافظه‌محور است و خلاقیت و تفکر دانش‌آموزان را پرورش نمی‌دهد و حتی گاه مانع بروز آنها می‌شود.

- بـا نیازهـای اساسـی دانش‌آمـوزان و جامعه هماهنگی نـدارد و آنهـا را برای زندگی شایسـته در جامعه پیچیده کنونی آماده نمی‌کند.

- به‌جـای مشـارکت، رقابـت را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند که سبب اضطراب، افسردگی و خشونت در آنان می‌شـود و شـادی و آرامش را از آنان سـلب می‌کند.

- بـه تفاوت‌هـای فـردی دانش‌آمـوزان توجـه نمی‌شـود. از همـه دانش‌آمـوزان انتظار مـی‌رود با توانمندی‌های متفاوت همه دروس را بخوانند و حتی فراتر از آن در همه آنها بالاترین نمره را به دست آورند.

- در نظام آموزشـی ما تجربه‌ها و دسـتاوردهای جدید علمی پذیرفته نمی‌شود.

نظریه‌هـای هوش‌های چندگانه، آمـوزش فراگیر، روش‌های جدید یاددهی - یادگیری، آموزش باکیفیت، روش‌های مشـارکتی و... کـه سال‌هاسـت در حوزه آموزش‌وپرورش کودکان ارائه شده است و در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود، جایگاهی ندارد.

- ارتبـاط و آمـوزش خانـواده به منظـور کاهش مشـکلات کـودکان و نوجوانـان کـه از وظایف مهم مدارس است برنامه علمی و مناسبی ندارد.

درحال‌حاضر ارتباط با خانواده‌ها بیشـتر در رابطه با پرداخت مشـارکت‌ها که درواقع جایگزین شـهریه شـده است، اطلاع‌رسـانی در مورد مشکلات درسی و رفتاری دانش‌آمـوزان بدون مداخله مؤثر در کاهش و حل آنهاسـت و گاه نیز جلساتی برگزار می‌شود که در مـورد موضوعات آن معمولا از خانواده‌ها نظرخواهی نمی‌شـود. درحال‌حاضر که در کشـور ما ساختارهای همگانـی و عمومی برای آموزش خانواده وجود ندارد و در برنامه‌های آموزشـی مدارس این موضوع در نظر گرفته نشده است، ضرورت برنامه‌ریزی علمی و منظم در این زمینه به‌شدت وجود دارد.

حاصل این مشـکلات اساسی در نظام آموزشی ما، وجود کودکان و نوجوانانی اسـت که نه‌تنها به رشـد همه‌جانبه و توانمندسـازی آنان برای زندگی شایسته کمـک نکرده‌ایم، بلکه با ایجاد مشـکلاتی برای آنان، از جمله افسـردگی، اضطراب، ناامیدی، خشونت و... سـلامت جسـمی و روانی آنان را در معـرض انواع آسـیب‌ها قرار داده‌ایم. بدیهی اسـت مشکلات نظام آموزش‌وپـرورش را معلمـان به تنهایـی نمی‌توانند برطرف کنند و نیاز به تغییرات اساسی دارد، اما معلمان نقش مؤثری در ایجاد این تغییرات و کاهش مشکلات دانش‌آمـوزان برعهده دارند. در بسـیاری از نظام‌های آموزشـی دنیا، تحول در آموزش‌وپـرورش از معلمان آگاه آغاز شـده است. به گفته ماندلا؛ «در هیچ کشوری سـطح آگاهـی مـردم آن از معلمان بالاتر نیسـت». بـا تأکید بر ضرورت تحـول در نظام آموزشـی و حل مشکلات آن، از معلمان گرامی انتظار می‌رود با توجه به نقش تأثیرگـذار خود، مهر را با مهر به کودکان آغاز کننـد تا علاوه‌بر ایجاد خاطـرات و تجربیات پربار برای دانش‌آموزان، به آرامش، شـادی و سلامت جسمی و روانی آنان کمک کنند.